جای نگرش درست به نابینایان و زندگی آن‌ها همچنان خالی است

جهان پرچالش روشندلان

گلناز ابراهیمی

یک صد و ده سال پیش، نابینایان ناگزیر بودند مانند یک بیمار لاعلاج در بیمارستان یا خانه بستری شوند. از چنین افرادی انتظار نمی‌رفت که تحصیل کنند یا در جایی مشغول به کار شوند. اغلب نابینایان بی‌هیچ حمایتی از سوی جامعه تنها می‌توانستند رؤیای داشتن یک خانواده و زندگی مستقل را در سر بپرورانند.

اما در طول زمان افراد زیادی برای احقاق حقوق نابینایان جنگیده‌اند. بی‌تردید به سبب تلاش‌ها و مبارزات آنان است که اکنون میلیون‌ها نفر در سراسر جهان مانند هر فرد دیگری از شانس زندگی مستقل برخوردارند. در واقع چالش‌های دیروز نابینایان به فرصت‌های امروز تبدیل شده‌اند. سال‌ها مبارزه برای حقوق نابینایان در کنار تحولات تکنولوژیک، خط بریل و ابزارهایی که به کمک زندگی روزمره نابینایان آمده‌اند همگی باعث شده آن‌ها مانند دیگر افراد اجتماع به زندگی ادامه دهند.

تصور همه بر این است که «زندگی» خود، مهم‌ترین چالش برای نابینایان است چراکه باید برای آن بجنگند. پیروزی در این رزم دشوار، مستلزم پافشاری آنان بر دوشرط اساسی و حیاتی است: برابری و عدم تبعیض. «تبعیض» همواره یکی از مشکلاتی بوده و هست که تمامی معلولان از جمله افراد دچار اختلال بینایی با آن دست به گریبان‌اند. مبارزه با تبعیض نیز هرگز آسان نبوده اما تلاش و استقامت عده کمی، برای عده زیادی پیروزی به ارمغان آورده است. دنیای نابینایان تغییر کرده چراکه عده کمی برای احقاق حقوق خود و دیگران ناامید نشده‌اند و از پا ننشسته‌اند. اگر هلن کلر برای تحصیل و آزادی خود مبارزه نکرده بود یا اگر لوئیس بریل سال‌های متمادی از عمر خود را وقف ابداع و توسعه خط بریل نمی‌کرد یا اگر مدافعان حقوق معلولان در جهان در برابر بی‌توجهی دولتمردان به این گروه سکوت اختیار می‌کردند بدون شک دنیای امروز نابینایان مانند گذشته دنیای تاریک و هولناکی بود. تلاش‌های جهانی سبب شده است نابینایان برای زندگی، به فرصت‌های برابری با دیگران دست یابند و به جای کنار گذاشته شدن از فهرست داوطلبان یک شغل یا محروم ماندن از تحصیل در دانشگاه با همسالان خود عادلانه رقابت کنند. آنان دیگر ناچار نیستند جدا از دیگران و در کنار افرادی که مانند خودشان هستند در انزوا زندگی کنند. بسیاری تلاش کرده‌اند تا دنیای بهتری برای زندگی معلولان شود اما جهان در حال توسعه، حتی از برآوردن نیازهای شهروندان معمولی خود نیز عاجز است. هنوز هم برای رفع مشکلات این گروه جای امیدهای بسیاری باقی است. برای آنکه دنیایی با چالش‌های کمتر برای نابینایان بسازیم نخست باید بدانیم مهم‌ترین مشکلاتی که پیش روی آن‌هاست کدام است؟

نگرش غلط، سرآغاز تمامی مشکلات نابینایان

نابینایان در زندگی روزمره همچنان با مشکلات بسیاری روبه‌رو هستند. آن‌ها ناگزیرند پیوسته در کنار مردمی زندگی کنند که از یک روشندل می‌ترسند چون نمی‌تواند ببیند! باورهای غلط همواره دست و پاگیر آن‌هاست. آن‌ها نمی‌بینند اما به ناتوانی محکوم می‌شوند. بسیاری افراد تصور می‌کنند نابینایان در درک و فهم مطالب و توانایی‌های ذهنی و فکری نیز دچار اختلال‌اند و همین نگرش غلط در جامعه سرآغاز تمامی دیگر چالش‌هایی است که سر راه نابینایان قرار می‌گیرد. چالش‌های محیطی یکی دیگر از مشکلات جدی نابینایان به شمار می‌روند. نابینایان مطلق یا افراد کم‌بینا، اغلب حتی در محیط‌های آشنا برای یافتن مسیر با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شوند. درواقع تحرک فیزیکی یکی از جدی‌ترین موانعی است که با آن مواجه‌اند. سفر کردن، رفتن به محل کار، خرید کردن یا حتی پیاده‌روی ساده در یک خیابان شلوغ می‌تواند برای آنان معضل بزرگی باشد. به همین دلیل است که بسیاری از نابینایان در محیط‌های ناآشنا از همراهی یکی از بستگان یا دوستان خود بهره‌مند می‌برند. به‌علاوه، افراد نابینا می‌بایست با تمام جزئیات محل کار یا منزل خود آشنا باشند. موانع بزرگ مانند میزها و صندلی‌ها به‌ویژه در محیط کار نباید جابه‌جا شوند تا فرد نابینا در اثر برخورد با آن‌ها دچار آسیب نشود. اعضای خانواده و همکاران نابینایان نیز می‌بایست مسیر تردد آن‌ها را از موانع احتمالی پاک کنند و هر وسیله یا چیزی را در جای مشخصی قرار دهند.

عدم مناسب‌سازی و امنیت در تردد

عدم مناسب‌سازی و امنیت در تردد افراد دارای معلولیت یکی از بزرگ‌ترین موانعی است که در سر راه نابینایان وجود دارد و برداشتن تمام موانع محیطی و همچنین تسهیل‌سازی امکانات جامعه برای استفاده افراد کم‌بینا و نابینا در حضور هرچه بیشتر آنان بسیار مهم است. حتی برخی معتقدند ریشه همه مشکلات افراد دارای اختلال بینایی عدم مناسب‌سازی محیط پیرامون است. لازم به یادآوری است که منظور از مناسب‌سازی صرفا برداشتن موانع محیطی نیست، بلکه حذف کردن هرآنچه در محیط مانع دسترسی می‌شود. به‌طور مثال در هنگام ساختمان‌سازی به‌ویژه اماکن عمومی باید دقت کرد که تمامی افراد با شرایط ویژه مانند نابینایان، کم‌بینایان، سالمندان، کودکان و دیگر معلولیت‌ها بتوانند به راحتی در آنجا رفت و آمد کنند مثلا آسانسورها به سیستم بریل مجهز باشند، در کنار پله از سطوح شیب‌دار مناسب استفاده شود به ویژه موانع آهنی که گاه نهادها برای جلوگیری از ورود موتورها و وسایل نقلیه دیگر در پیاده‌روها و ساختمان‌ها و پارک‌ها و دیگر مکان‌ها قرار می‌دهند.

در کشورهای توسعه‌یافته اقدامات بسیاری در زمینه مناسب‌سازی صورت گرفته؛ تاکسی‌های مجهز به امکانات لازم برای رنگ‌ها و اپراتورهای مخصوص و طراحی سایت‌های معین برای راهنمایی هرچه بهتر افراد دارای معلولیت که با توجه به نوع معلولیت خود چگونه می‌توانند از امکانات حمل‌ونقل عمومی استفاده کنند، ازجمله اقدامات بسیار رایج در کشورهای توسعه‌یافته است. چند سال قبل فرودگاه شیکاگو در آمریکا به‌دلیل این که در برخی قسمت‌های فرودگاه از راهنماهای بریل و اشاره برای معلولان استفاده نکرده بود مجبور به تحمل جزای نقدی از سوی دادگاه‌های مربوطه شد. حال آنکه سیستم حمل‌ونقل عمومی در ایران مناسب‌سازی نشده است. به‌طور مثال در مترو پاریس بخشی جدا برای ورود کالسکه و ویلچر در نظر گرفته شده است و برای نابینایان از سگ‌های راهنما استفاده می‌شود که آن‌ها را به خوبی به مسیر واگن‌ها هدایت می‌کند. یا این که می‌توانند وسیله‌ای بسیار کوچک و ارزان را خریداری کنند که به آن‌ها بعد از مشخص کردن مسیر دقیقا می‌گوید از چه ایستگاهی و چگونه باید استفاده کنند.

مغفول ماندن قانون عصای سفید

متأسفانه در کشور ما نه تنها مسئله مناسب‌سازی به معنای واقعی کلمه مورد غفلت قرار گرفته، بلکه قانون عصای سفید نیز اجرایی نشده است.

برخی از مواد مهم این قانون عبارت‌اند از:

۱- دولت موظف است که نابینایان و دیگر معلولان جسمی را تشویق کند تا در تمام امور اجتماعی و اقتصادی دولت شرکت کنند و درنتیجه کار و اشتغال یابند.

۲- نابینایان و دیگر معلولان جسمی، حق استفاده آزادانه از خیابان‌ها و بزرگراه‌ها، پیاده‌روها و سایر مکان‌های همگانی و همان‌طور وسایل حمل‌ونقل، هتل و اماکن عمومی را دارند.

۳- رانندگانی که با وسایل نقلیه خود از خیابان می‌گذرند، درصورت نزدیک شدن به نابینایی که از عصای سفید یا متالیک، سگ راهنما یا از بازوبند نابینایی استفاده می‌کند، موظف‌اند که احتیاط لازم را به عمل آورند تا صدمه‌ای به فرد نابینا وارد نشود. البته نداشتن عصا یا سگ راهنما در چنین مراکز و اماکنی ممکن است دلیلی بر بی‌مبالاتی فرد نابینا تلقی شود.

۴- هرشخص یا سازمانی که بخواهد به طور غیرمجاز در استفاده شخص نابینا یا معلول از تسهیلات همگانی محدودیتی ایجاد کند، یا این که حقوق نابینایان و دیگر معلولان عاقل و بالغ را نادیده بگیرد، باید مجرم شناخته شود.

۵- هرسال، مسئولان دولت باید روز ۱۵ اکتبر را به عنوان روز بزرگداشت عصای سفید به نحو شایسته‌ای ارج نهند و اهمیت قانون عصای سفید را مورد بحث قرار دهند. آن‌ها باید از مردم بخواهند که رفتار معقولانه‌ای با معلولان داشته باشند و با همکاری صمیمانه قدم‌های مؤثری برای آن‌ها بردارند.

۶- دولت موظف است افراد نابینا یا دیگر معلولان جسمی را در بخش‌های دولتی و شعب آن و همان‌طور مدارس دولتی با شرایط مساوی، چون دیگر افراد اجتماع بپذیرد، مگر این که معلولیت خاص آن‌ها مانع انجام کار در آن مراکز باشد.

۷- افراد نابینا و دیگر معلولان جسمی، همچون دیگر اعضای جامعه حق دارند در کشور خود بر اساس شرایط و مقررات قابل اجرا برای همه، از خانه‌های مسکونی آماده برای اجاره ماهانه یا سالانه استفاده کنند. البته کسی که ملک خود را به یک نابینا یا معلول اجاره می‌دهد، مجبور نیست به این منظور تغییراتی در خانه‌اش بدهد یا این که خود را موظف به مراقبت خاصی در مورد فرد نابینا بداند.

۸- نابینایان و دیگر معلولان حق تام و برابر دارند که از امکان‌ها، مزایا، تسهیلات و امتیازات وسایل حمل‌ونقل همگانی چون هواپیما، وسایل موتوری، قطار، اتوبوس، اتومبیل‌ها، کشتی و دیگر وسایل نقلیه و هتل، مسافرخانه، مکان‌های عمومی و مراکز تفریحی و مذهبی و دیگر اماکنی که عموم مردم در آنجا جمع می‌شوند، استفاده کنند و اگر در بعضی شرایط محدودیتی وجود داشته باشد این محدودیت باید قانونی و قابل اجرا برای همگان باشد.

در ایران اما تنها قانونی که حقوق نابینایان را به رسمیت می‌شناسد، قانون حمایت از حقوق معلولان است که آن هم به‌شکل جدی اجرایی نشده است. چالش‌های اجتماعی از دیگر موانع زندگی عادی نابینایان هستند. این مشکلات زمانی بروز پیدا می‌کنند که فرد قادر نیست در یک فعالیت مهم اجتماعی مشارکت کند. نابینایی در اغلب موارد سبب می‌شود توانایی فرد برای انجام وظایف کاری کاهش پیدا کند و درنتیجه فرصت‌های شغلی وی نیز محدود می‌شود. این مسئله نه فقط بر شرایط مالی که بر اعتماد به نفس روشندلان تأثیر نامطلوبی دارد. علاوه بر این، اختلال بینایی باعث می‌شود مشارکت فرد در فعالیت‌های غیرکاری مثل ورزش یا تفریح نیز محدود شود. این محدودیت نیز خود به کاهش ارتباطات اجتماعی فرد نابینا و درنهایت، کاهش بیشتر عزت‌نفس وی می‌انجامد.

فرصت‌های کمی در بازار کار برای نابینایان وجود دارد

برای بیشتر افراد «اشتغال» مهم‌ترین فعالیت زندگی است که سبب بهبود کیفیت زندگی، افزایش عزت‌نفس، احساس مشارکت در اجتماع و رضایت عمومی از زندگی می‌شود. اشتغال برای معلولان از اهمیت مضاعفی برخوردار است چراکه کار برای آنان، شرط ضروری برای کسب استقلال، جدا نماندن از جامعه و اطمینان از مشارکت برابر در تمام عرصه‌های زندگی است به همین دلیل بازتوانی و اشتغال همواره در اولویت مهم سازمان‌ها و مؤسساتی است که برای احقاق حقوق و بهبود شرایط زندگی معلولان تلاش می‌کنند و شاخص ارزیابی کشورهایی است که خود را حامی یا دوستدار معلولان می‌دانند. بانگاه دقیق‌تری به بحث اشتغال می‌توان دریافت در بازار کار فرصت‌های کمی برای نابینایان وجود دارد. این محدودیت در حق انتخاب شغل اگر با دیگر مشکلات بازار کار از جمله نرخ بالای بیکاری، پایین بودن تسهیلات تکنولوژیک و تبعیض همراه شود شرایط برای کاریابی نابینایان دشوارتر نیز می‌شود. در سراسر دنیا فرصت‌های کم نظیری برای تحصیلات دانشگاهی نابینایان فراهم شده است. به جز معدودی از رشته‌ها آن‌ها قادرند در شاخه‌های مختلف حقوق، روانشناسی، علوم اجتماعی، موسیقی، ادبیات و... ادامه تحصیل بدهند. گرچه مدارک تحصیلی بالاتر رقابت‌پذیری آنان را در برابر دیگر افراد جامعه بیشتر می‌کند اما، نبود قوانین حمایتی و البته فقدان درک درست در کارفرمایان همچنان سایه سنگین خود را بر بازار کار نابینایان گسترده است. در اکثر کشورها، اشتغال معلولان در بخش‌های دولتی آسان‌تر است چراکه بخش خصوصی بیشتر نگران سودآوری است و ترجیح می‌دهد هزینه‌های احتمالی نیروی انسانی را کاهش دهد. ناآگاهی کارفرمایان از سیاست‌ها و خدمات ویژه نابینایان نیز می‌تواند دلیل دیگری باشد که چرا عمده افراد دچار اختلال بینایی در بخش‌های دولتی به کار گرفته می‌شوند. اشتغال و کاریابی برای کسانی که امکان تحصیلات عالی پیدا نمی‌کنند دشوارتر خواهد بود چراکه آموزش این گروه از روشندلان در بهترین حالت به آموزش‌های مقدماتی دوران مدرسه محدود است. این نابینایان برای اشتغال غالبا به دوره‌ها و کلاس‌های مهارت‌آموزی مؤسسات و انجمن‌های دولتی و غیردولتی نیازمندند تا بتوانند جایگاه شغلی متناسبی در جامعه پیدا کنند. در کنار این همه، افزایش فرصت‌های شغلی مستلزم وجود خدمات توانبخشی جدی و قدرتمند در جامعه است. علاوه بر مراکز توانبخشی که مهارت‌های نابینایان را افزایش می‌دهند و آنان را برای مواجهه و حل مشکلات فیزیکی و روانشناختی در جامعه آماده می‌کنند به مراکزی برای کاریابی ویژه معلولان نیاز است تا با در نظر گرفتن محدودیت‌ها و توانمندی‌های هرفرد، فرصت‌های موجود در بازار کار را شناسایی و به فرد نابینا معرفی کنند. وظیفه دیگر این گونه مؤسسات اساسا ایجاد فرصت‌های شغلی متناسب با توانایی‌های معلولان است. نباید از خاطر برد که بزرگ‌ترین مانع برای اشتغال نابینایان یا افراد دچار اختلال بینایی کنار آمدن با خود معلولیت و باورهای نادرست عموم در مورد آن است. هنگامی که معلولان در جست‌وجوی کار هستند یا تلاش می‌کنند شغل کنونی خود را حفظ کنند به احتمال بسیار زیاد در موقعیت‌های ناخوشایندی قرار می‌گیرند یا تبعیض‌ها و پیش‌داوری‌های نامطلوبی را تجربه می‌کنند که عموما ناشی از ناآگاهی مردم از توانمندی‌های آنان است. به‌نظرمی‌رسد نخستین و مؤثرترین گام برای رفع موانع اشتغال نابینایان تغییر نگرش جامعه است. تغییر نگرشی که یقینا از دولتمردان و قانونگذاران آغاز می‌شود.

رضا طاهری در مقاله‌ای با اشاره به مشکل اشتغال نابینایان می‌نویسد: «اشتغال امروزه به راستی یکی از بزرگ‌ترین مشکلات جهانی است و تمام کشورها در این راستا همواره به اقدامات مختلفی در جهت رفع آن دست زده‌اند. اعلامیه حقوق بشر در ماده ۲۳ خود اشتغال را یکی از بنیادی‌ترین حقوق افراد بشر دانسته است. آمار بیکاری در میان نابینایان بسیار زیاد است. مشکلات فراروی افراد معلول، لزوما ناشی از شرایط جسمی و ذهنی آن‌ها نیست بلکه در اکثر موارد، این طرز تلقی غلط جامعه و سیاستگذار است که این افراد را از صحنه کار و فعالیت دور و نگه می‌دارد. چه آنکه به گواه تحقیقاتی که در این حوزه در ایران صورت گرفته، هزاران معلول ایرانی برای گریز از بیکاری و مشکلات اقتصادی آن بلامشکلات بی‌شماری مواجه‌اند. به این دلیل که با وجود تحولاتی که در سطح بین‌المللی از لحاظ حقوقی و اجتماعی به وقوع پیوسته و دستاورد آن گرایش مثبت برای به کارگیری معلولان است، هنوز هم محدوده دقیق حقوق قانونی این دسته از افراد در ابهام قرار دارد. آمارهای رسمی، نرخ بیکاری نابینایان را ۴۰ درصد اعلام کرده است. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت نرخ بیکاری معلولان در ایران چهار برابر نرخ بیکاری افراد عادی است، که از این میان ۸۰ درصد آنان در میان خانواده‌های فقیر هستند. در میان شاغلان نیز شغل‌های گوناگونی از جمله استاد دانشگاه، معلم، نماینده شورای شهر، کارمند و کارشناس دیده می‌شود اما متأسفانه تصور غالب این است که نابینا باید تلفنچی باشد و بیشترین شغل در میان نابینایان نیز همین است. به رغم وجود قوانین متعدد برای اشتغال نابینایان هنوز اکثر قریب به اتفاق آنان بیکار هستند که این خود نشان‌دهنده عدم کارایی قوانین است. شاید هم وجود فرهنگ تبعیض‌آمیز این علت را تقویت کند. نابینایانی که با وجود تمام گرفتاری‌های موجود تحصیلات تکمیلی خود را به اتمام می‌رسانند در جست‌وجوی کار با موانع زیادی روبه‌رو خواهند شد. بارها پیش آمده که در فرصت‌های استخدامی رزومه یک شخص نابینا تأییدشده اما بعد از این که متوجه نابینایی شخص شده‌اند، از استخدام او سر باز زده‌اند، شاید به این علت که تا زمانی که می‌شود از افراد سالم استفاده کرد چرا باید یک نابینا را به کار گماشت؟ مگر یک نابینا می‌تواند این کارها را انجام دهد؟ احتمالا تا اینجاهم که درس خوانده استادها به او نمره داده‌اند اما واقعا تفاوتی نمی‌کند که یک کارمند نابیناست یا بینا چراکه تلاش کاری و تعهد به آن همچنین تخصص سه ضلع اصلی در استخدام هستند. به کار گرفتن یک نابینا که دارای مهارت و اخلاق کاری است بسیار بهتر است از به کار گرفتن افرادی که وجدان کاری را زیر پا می‌گذارند، پریشان حالی در میان قوانین به این مشکل بسیار دامن‌زده و شاید عدم سرمایه‌گذاری مناسب نیز این مشکل را تشدید می‌کند به این مفهوم که می‌بینیم همواره دیده‌شده که کارآفرینان در کارگاه‌های خود به طور مثال از زنان یا غیره استفاده کرده‌اند. انجام این کار در زمینه افراد دارای معلولیت نیز بسیار مناسب به نظر می‌رسد.»

چالش نابینایان در ازدواج

یکی دیگر از مشکلات نابینایان ازدواج است. همیشه این سؤال مطرح بوده که افراد دارای معلولیت باید با اشخاص مانند خود ازدواج کنند یا خیر؟ در این میان ازدواج نابینا با نابینا یا کم‌بینا همواره موافقان و مخالفان زیادی داشته است. موافقان به این نکته اشاره می‌کنند که کسی که مانند آن‌ها دارای اختلال بینایی است بهتر شرایط آن‌ها را درک می‌کند. معمولا افراد بینا که با نابینا و کم‌بینا ازدواج می‌کنند بعد از مدتی خسته شده و به‌طور دائم بر سر شریک زندگی خود منت می‌گذارند و اساسا علت این ازدواج را باید در حس ترحم یا کسب پاداش‌های معنوی دانست، اما مخالفان همواره می‌گویند ازدواج دو نفر با اختلال بینایی ضمن این که شرایط هم را بهتر درک می‌کنند، اما آفات زیادی به همراه دارد. اولا در این صورت ضعف بینایی آن‌ها دو برابر شده و برجسته‌تر خواهد شد و چنانچه یکی از زوجین بینا باشد می‌تواند این ضعف را بهتر پوشش دهد. در ثانی ازدواج دو نفر با مشکل بینایی احتمال بروز این مشکل در فرزندان را افزایش می‌دهد تا آنجا که شاید از نظر ژنتیکی آنان را از این کار منع کند و این که فرزندان حاصل از این ازدواج فارغ از این که مشکل بینایی دارند یا ندارند در رشد و تربیت مشکلات زیادی را تجربه می‌کنند چراکه برخی از امور به بینایی نیاز دارد. در هر صورت ازدواج نابینایان نیز باید باسیاستگذاری‌های مناسب و فرهنگ‌سازی صحیح تا حدود زیادی مرتفع شود.

چه باید کرد؟

برای رفع هر مشکل ابتدا باید آن را به خوبی شناخت، علل به وجود آمدن آن را بررسی و شرایط تخفیف و تشدید آن را نیز واکاوی کرد آنگاه است که راهکارها نمایان می‌شود. در مورد نابینایان و رفع مشکلات آنان نیز باید در ابتدا به فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی دست زد و به خانواده‌ها آموخت که در چه شرایطی ممکن است فرزند آن‌ها دچار نابینایی شود؟ و در صورت بروز آن باید چگونه با فرزند خود برخورد کنند. سپس رسانه‌ها هستند که می‌توانند چراغ را در دست گرفته و جامعه را نسبت به این مسئله آگاه سازند. دولت و مجلس هم در تدوین هر برنامه و قانونی باید به این نکته توجه داشته باشند که آیا افراد دارای معلولیت می‌توانند از آن بهره ببرند و برای آنان مشکلی پیش نخواهد آمد؟ به‌طور مثال اگر ما قانون جامع حمایت از افراد دارای معلولیت وضع می‌کنیم باید دیگر قوانین دامنه اجرای آن را محدود نسازیم و برای اجرای دقیق آن همواره از ضمانت اجرایی دقیق استفاده کنیم. با انجام برخی اقدامات با صرف هزینه‌های کمتر می‌توانیم بسیاری از مشکلات نابینایان را حل یا کمرنگ کنیم. اگرچه در دهه‌های گذشته و با تلاش‌های سازمان‌ها و مجامع ملی و بین‌المللی نگرش عموم مردم نسبت به معلولیت و معلولان دستخوش دگرگونی‌های مثبت زیادی شده است. این شاید به آن معناست که وقت آن رسیده قانونگذاران و دولتمردان نیز حقوق نابینایان را جدی‌تر بگیرند و برای حمایت از آنان قوانین بیشتر و کارآمدتری تدوین و اجرا کنند. حقوق نابینایان نباید با افراد بینا تفاوتی داشته باشد. آنان نیز باید از کودکی شاد، آموزش مناسب، شغل امن، زندگی خانوادگی رضایت‌بخش، اوقات فراغت مفرح، فعالیت‌های اجتماعی و فرصت مشارکت تمام و کمال در جامعه بهره‌مند باشند. آن‌ها نیز مانند سایر مردم نیازمند احترام، اعتماد، عزت و مهر و محبت هستند و ازهمه مهم‌تر آنکه باید مانند دیگر شهروندان از حقوق انسانی و مدنی برخوردار شوند. به نظر می‌رسد دنیا تا رسیدن به این درک و باور فاصله زیادی دارد. شاید به همین دلیل است که در کشورهای مختلف قوانینی به تصویب رسیده است تا حقوق نابینایان (و دیگر معلولان جامعه) به رسمیت شناخته شود و مورد حمایت قرار گیرد. به نظر می‌رسد کشور ما نیز برای حل مشکلات معلولان به ویژه نابینایان در ابتدای راه است. شاید بهترین و مؤثرترین روش برای تحقق یک جامعه آرمانی که معلولان بتوانند فارغ از تبعیض و مستقل از دیگران در آن زندگی کنند باور به این نکته است که معلول تفاوتی با دیگر شهروندان ندارد و باید مانند آنان از تمامی حقوق فردی و اجتماعی برخوردار شود. احترام به این حق، نخستین گام برای رسیدن به جامعه دوستدار معلولان است.

میزخبر

برخورد قانونی با پیمانکاران متخلف مراکز نگهداری از معتادان

معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران درباره حادثه اخیر فرار گروهی از معتادان متجاهر از یکی از مراکز یاورشهر، گفت: نمی‌توان حواشی مربوط به این مراکز را «فرار» نامید چراکه این مراکز برای محل بهبود و درمان است؛ گاهی به دلیل بروز خللی در عملکرد مرکز، مشکلاتی پیش می‌آید که ممکن است منجر به خروج برخی افراد از مراکز شود، اما با این حال، این افراد مجددا جمع‌آوری و بازگردانی شدند.

امین توکلی‌زاده در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به اقدامات صورت گرفته در حوزه آسیب‌های اجتماعی شهر تهران اظهار کرد: در این دوره، اقدام بزرگی در این حوزه انجام شد و شهرداری تهران مسئولیت کاری را پذیرفت که سال‌ها میان دستگاه‌های مختلف بدون متولی رها شده بود.

وی با بیان این که زیرساخت‌های تهران در زمینه آسیب‌های اجتماعی به قدری محدود بود که حتی در صورت وجود اراده و برنامه، امکان اجرایی شدن آن وجود نداشت، گفت: ازاین‌رو نخستین گام ما ایجاد زیرساخت بود و در این دوره، ۷ هزار تخت به ظرفیت مراکز آسیب‌های اجتماعی شهر افزوده شد. همچنین مجموعه‌های جدید «یاورشهر» نیز به این ساختار اضافه شد تا پاسخگوی نیازهای موجود باشد.

معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران در ادامه به موضوع «منع پذیرشی‌ها» اشاره کرد و افزود: بسیاری از افراد نیازمند، به‌ویژه کسانی که مبتلا به بیماری‌های خاص یا اختلالات روانی بودند، در هیچ مرکزی پذیرش نمی‌شدند. شهرداری تهران این مسئولیت را برعهده گرفت و اکنون این افراد در مراکز تخصصی و با حضور کادر درمانی ویژه پذیرش می‌شوند.

توکلی‌زاده درباره ساماندهی کودکان کار پایتخت نیز گفت: در گذشته بیش از ۳۰ طرح در تهران در این زمینه اجرا شده بود که هر کدام تا حدی موفقیت‌آمیز بودند. با استفاده از تجربیات گذشته، طرحی جدید طراحی و در «قرارگاه اجتماعی شهر تهران» تصویب شد. در این طرح، تلاش کردیم تا سازمان بهزیستی را در انجام مأموریت ذاتی خود یاری کنیم.

وی افزود: همکاران ما در سازمان بهزیستی از این طرح استقبال کردند و نمایندگان قوه قضائیه و فراجا نیز حضور داشتند. نتیجه این همکاری، اجرای تدریجی و بلندمدت طرح و ساماندهی کودکان کار خیابانی بود.

معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران درباره ساماندهی کارتن‌خواب‌ها و معتادین متجاهر نیز اظهار کرد: مدتی با خلأ بودجه‌ای مواجه بودیم؛ چراکه دولت نتوانست منابع مالی مورد نیاز ستاد مبارزه با مواد مخدر را تأمین کند و درنتیجه، بودجه مراکزی که مسئول پذیرش معتادان متجاهر بودند، پرداخت نشد که در پی آن، برخی از این افراد پس از پایان دوره قانونی خود آزاد می‌شدند.

وی ادامه داد: اخیرا دکترزاکانی با دولت مذاکره‌ای انجام داد و مقرر شد شهرداری هزینه‌ها را پرداخت کند و سپس در حساب‌های فی‌مابین با دولت تسویه شود. امیدواریم با همکاری سازمان برنامه و بودجه، مبالغ هزینه شده از سوی شهرداری در این حوزه بازگردد تا بتوانیم آن را مجددا در تقویت زیرساخت‌ها مورد استفاده قرار دهیم.

لزوم افزایش ۱۰۰ درصدی ارزش نسبی تعرفه‌های پرستاری

نایب رئیس اول شورای عالی نظام پرستاری با بیان این که نیازمند افزایش ۱۰۰ درصد ارزش نسبی تعرفه‌های پرستاری هستیم، گفت: اصلاح بازتوزیع تعرفه‌ها نیز انجام شده و این موضوع در انتظار ابلاغ است.

یوسف رحیمی در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: هنگام سخن گفتن از تعرفه‌های پرستاری می‌بایست به دو نکته توجه کنیم، وجه نخست این موضوع، درآمد حاصل از تعرفه‌های پرستاری است و شرایط می‌بایست به نحوی باشد که ارزش واقعی خدمات پرداخت شود. در حال حاضر، ارزش واقعی خدمات تحت تأثیر مسائل مختلف طی سال‌های گذشته و افزایش نرخ تورم، از مبلغی که پرداخت می‌شود، بیشتر است. به طور مثال، ارزش مراقبت پرستاری از یک بیمار در یک بخش عمومی حدود ۳۵۰ هزار تا ۴۰۰ هزار تومان است که از نظر پایه‌ای یک مبلغ کم است.

وی درباره ضرورت افزایش نسبی تعرفه‌های پرستاری توضیح داد: باتوجه به این که ارزش نسبی از نظر ریالی می‌بایست افزایش یابد. من بر این باور هستم که ارزش نسبی تعرفه‌های پرستاری می‌بایست ۱۰۰ درصد افزایش یابد و اگر افزایش ۱۰۰ درصدی محقق شود، تعرفه پرستاری خود به خود در مسیر اصلاح قرار می‌گیرد. فصل بررسی تعرفه‌های پرستاری آغاز شده، یعنی جلسات کارشناسی تعرفه‌های پرستاری آغاز شده و تا بهمن ماه در سطح مدیران شورای عالی بیمه نهایی می‌شود.

نایب رئیس اول شورای عالی نظام پرستاری گفت: انتظار جامعه پرستاری این است که درخواست معاون پرستاری وزارت بهداشت که یک خواسته درست است یعنی افزایش ۱۰۰ درصدی ارزش نسبی تعرفه‌های پرستاری را لحاظ کنند. موضوع مهم این است که پایه تعرفه‌های پرستاری می‌بایست افزایش یابد.

رحیمی با بیان این که «بازتوزیع» وجه دیگری است که درباره تعرفه‌های پرستاری مطرح می‌شود، تصریح کرد: خوشبختانه، موضوع بازتوزیع تعرفه پرستاری در کانون توجه قرار گرفته و کارشناسان این حوزه در تمام استان‌ها و سازمان نظام پرستاری در ارتباط با این موضوع اظهارنظر کرده‌اند. اصلاح بازتوزیع تعرفه‌ها انجام شده و این موضوع در انتظار ابلاغ است. شنیده‌ها بیانگر این است که ابلاغیه بازتوزیع تعرفه‌ها فقط به امضای وزیر بهداشت نیاز دارد تا دستورالعمل جدید بازتوزیع ابلاغ شود.

نایب رئیس اول شورای عالی نظام پرستاری ادامه داد: هنگامی که دستورالعمل جدید بازتوزیع ابلاغ شود، توزان بیشتری در جامعه پرستاری ایجاد می‌شود. به واسطه ابلاغ دستورالعمل جدید، ناترازی که در میان دریافتی پرستاران شاغل در بخش‌های مختلف وجود دارد، اصلاح می‌شود.

وی با بیان این که هرگونه اقدام و اصلاحی می‌بایست بر اساس استانداردهای پرستاری باشد، گفت: به طور قطع، اقدامات نباید به نحوی باشد که منجر به زیرپا گذاشتن استانداردها باشد. بر اساس استانداردها، هر پرستار موظف است که در آی سی سیو عمومی به دو بیمار خدمات ارائه دهد و این در حالی است که ممکن است یک بیمار در آی سی سیو جراحی قلب به دو پرستار نیاز داشته باشد. این احتمال وجود دارد که این عدد و رقم در برخی بیمارستان‌ها با استانداردها منطبق شود و این موضوع سبب بروز مشکلاتی می‌شود. به عبارت دیگر می‌توان گفت که بخشی از نارضایتی‌ها بر اساس زیرپا گذاشتن استانداردهاست.

اجرای حکم قاتل دانشجوی دانشگاه تهران به تعویق افتاد

سرپرست دادسرای امور جنایی تهران گفت: باتلاش واحد صلح و سازش دادسرای جنایی، اولیای دم پرونده قتل دانشجوی دانشگاه تهران، دو ماه مهلت دادند.

قاضی محمد شهریاری در گفت‌وگو با ایسنا در خصوص پرونده قتل مرحوم امیرمحمد خالقی، گفت: حکم قصاص قاتل امیرمحمد خالقی که قرار بود روز گذشته اجرا شود، با تلاش واحد صلح و سازش دادسرای جنایی تهران به تعویق افتاد و اولیای دم دو ماه مهلت دادند. به گزارش ایسنا حاجی اسفندیاری، وکیل مدافع اولیای دم پرونده قتل امیرمحمد خالقی ۲۹ تیرماسال گفته بود: درخواست اعاده دادرسی (موضوع ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری) محکومین پرونده قتل امیرمحمد خالقی نسبت به رأی صادره از دادگاه کیفری یک تهران مبنی بر محکومیت مشارالیهم به مجازات قتل عمدی، معاونت در قتل و سرقت مسلحانه که از سوی وکلای او تقدیم شده بود، مورد پذیرش قرار گرفت. قرار در اعاده دادرسی از سوی شعبه اول دیوان عالی کشور صادر شد. حاجی اسفندیاری ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ به ایسنا گفته بود: رأی بدوی این پرونده در اسفندماه سال گذشته از شعبه ۵ دادگاه کیفری یک استان تهران صادر شد. اتهام متهمان برابر کیفرخواستی که از دادسرای جنایی تهران صادر کرده بود، برای متهم ردیف اول، «قتل عمد» بود که به قصاص و متهم ردیف دوم، «معاونت در قتل» بود که به اشد مجازات یعنی ۲۵ سال حبس تعزیری محکوم شدند. هردو متهم به اتهام دیگر را با عنوان سرقت مقرون به آزار به ۱۵ سال حبس تعزیری و شلاق نیز محکوم شدند که مجازات اشد یعنی قصاص و ۲۵ سال حبس تعزیری اجرا می‌شود. پس از صدور حکم بدوی، وکلای طرفین نسبت به دادنامه صادره فرجام‌خواهی کردند و در واسط فروردین ماه سال جاری پرونده به شعبه ۱۷ دیوان عالی کشور ارجاع شد. درنهایت شعبه ۱۷ دیوان عالی کشور، رأی شعبه ۵ دادگاه کیفری یک استان تهران را تأیید کرد. لذا بر اساس رأی صادره، مجازات قصاص برای متهم ردیف اول و مجازات ۲۵ سال تعزیری برای متهم دوم از سوی دیوان عالی کشور صادر و تأیید شد.

۱۱ تیرماه سال جاری نیز حاجی اسفندیاری گفته بود: وکیل متهم به قتل عمد پرونده، نسبت به رأی قطعی صادره تقاضای اعاده دادرسی کرده که پرونده برای رسیدگی به شعبه اول دیوان عالی کشور ارجاع شده است.

امیرمحمد خالقی دانشجوی ۱۹ ساله دانشگاه تهران شامگاه چهارشنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۳ در محله کوی دانشگاه توسط دو سارق زورگیر به قتل رسید.

تداوم ارتباط فوتبال با «یوز ایرانی»

درسال‌های گذشته، تصویر یوز